

براساس دیدگاه استاد مرتضی مطهری هر موجود زنده‌ای برای بقا و رشد و کمال خود سه نیاز اساسی دارد: ۱. نیاز به تربیت؛ ۲. نیاز به امنیت؛ ۳. نیاز به آزادی.

برای مثال یک گیاه نیز برای رشد خود به تربیت، امنیت و آزادی نیاز دارد:

الف. تربیت به چه معناست؟! در اینجا تربیت در معنای عام آن مدنظر است. در این معنای تربیت، رب هرچیز، امکانات لازم برای رشد آن چیز را در اختیارش قرار می‌دهد. گیاه برای رشد خود آب، نور و هوا می‌خواهد و باغبان، که به منزله رب آن گیاه است، باید این امکانات را در اختیارش قرار دهد تا بتواند رشد کند؛

ب. امنیت به چه معناست؟! به این معنا که آنچه دارد، از او نگیرند. این تعریف زیبا از استاد مطهری است. یعنی آنچه را که ما عادلانه به دست آورده‌ایم یا خدا به نحو تکوینی به ما داده است، کسی از ما نگیرد. گیاه جان دارد، کسی نیاید آن را لگد کند و زندگی‌اش را از بین ببرد. این کار امنیت آن موجود را به مخاطره می‌اندازد؛

ج. آزادی به چه معناست؟! یعنی مانعی برای رشد آن گیاه وجود نداشته باشد. اگر مانعی بر سر راه رشد او قرار گیرد، گیاه از رشد محروم می‌شود. پس اگر امکانات رشد به گیاه داده نشود یا امکاناتی که برای رشد دارد از او بگیریم یا بر سر راه رشدش مانع ایجاد کنیم، نمی‌تواند رشد کند.

بنابراین هر موجود زنده‌ای اگر بخواهد تکامل و رشد پیدا بکند، نیاز دارد به تربیت؛ یعنی امکانات رشد در اختیار او باشد، امنیت؛ یعنی آنچه را دارد از او نگیریم و آزادی؛ یعنی مانع رشدش نشویم.

اما عدالت کجاست و عادل کیست؟! چه نسبتی میان عدالت و پاسخ به سه نیاز اساسی موجودات زنده برای رشد و تکامل برقرار است؟ در دیدگاه استاد مطهری، عدالت در مرتبه‌ای بالاتر از این سه نیاز اساسی قرار دارد؛ یعنی این پرسش مطرح می‌شود که برای حفظ این سه اساس چه کنیم؟ چگونه امکاناتی که یک موجود زنده برای رشدش لازم دارد در اختیارش قرار بگیرد، آنچه دارد، به ناحق از او گرفته نشود و مانعی برای رشدش به وجود نیاید؟

در برابر این پرسش‌ها مفهوم عدالت در تلازم با مفهوم توحید مطرح می‌شود که هر دو از اهداف اصلی انبیای الهی بوده است. اگر انسان موحد شود، به خدا ایمان بیاورد و این ایمان تجلی اجتماعی پیدا کند، یعنی از صرف ایمان عبور کند و به عمل صالح منجر شود، عمل صالح انسان همان عدالت می‌شود؛ یعنی عدالت تجلی اجتماعی عمل ایمانی انسان موحد است. اگر انسان به عدالت برسد و عادل شود آنگاه عوامل رشد موجودات زنده را فراهم می‌کند. اینجا انسان به منزله رب است. رب یعنی رئیس، یعنی کسی که تدبیر امور با او است. خدا رب موجودات است؛ زیرا تدبیر امور موجودات با خداوند است. خداوند نیز به انسان عوامل تربیت، امنیت و آزادی را عنایت کرده است.